

پرسشها...

آیا رواندرمانی گروهی دانش است؟ پستوانه‌های دانشی بودن پژوهشها، تشخیص‌ها و درمانهای گروهی چیست؟ رواندرمانگری گروهی با رواندرمانی فردی و رواندرمانی خانواده چه همسانیها و ناهمسانیهایی دارد؟ آزادی‌درمانی گروهی چه ویژگیهایی دارد؟ و بر چه دیدگاهی متکی است؟

هنگامه‌های رواندرمانی گروهی چه نشانه‌های دانشی دارد؟ درمان‌گروهی چگونه ممکن است؟ در کارگاه آزادی‌درمانی گروهی تلاشهای پژوهشی، تشخیصی و درمانی چگونه همزمانی و همسانی دارند؟ آیا سلامت و بیماری فردی و گروهی یکسانی دارد؟ سلامت و بیماری فرد در گروه و گروه در فرد چگونه افزایش یا کاهش می‌یابد؟ نقش دیدگاه‌های روانشناسی در رواندرمانی گروهی چگونه است؟ آزادی‌درمانی گروهی چه پستوانه‌های دانشی دارد؟

بخش اول

سرگذشت و زمینه‌ها^۱

آشنایی با گروه‌درمانی کاربردی را ۲۷ سال پیش، هنگامی که برای دومین بار به فرانسه رفتم (۱۳۵۳) آغاز کردم، در آنجا بیشتر دانشگاه‌هایی که رشته روانشناسی داشتند و موسسات رسمی بهداشت روانی، رواندرمانی گروهی را دانش و مهارتی لازم برای دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌های انسانی، پزشکی و پیراپزشکی می‌دانستند: علاوه بر این موسسات آزادی که بهمین منظور، خارج از دانشگاه، وجود داشتند، با استفاده از گروه‌درمانی، به ارائه خدمات بهداشتی و درمانی می‌پرداختند: دوره‌های کوتاه مدت ۱۵ تا ۳۰ جلسه، فشرده و یا از گسترده ۲ تا ۱۰ روز در یک یا دو دوره تشکیل می‌دادند با هزینه‌ای کم بویژه برای دانشجویان مراجع می‌پذیرفتند: مراجعین بطور آزاد شرکت می‌کردند و یا از کارکنان موسسات خصوصی بودند که دچار ناراحتی‌های شغلی و ناسازگاریهای اجتماعی شده بودند.

^۱ آنچه در صفحات بعد می‌خوانید، تلاشهایی است که بیشتر آنها نخستین گامهایی است که در کشور ما برای رواندرمانی برداشته شده است. و سهمی در تاریخچه و سرنوشت رواندرمانی در دانشگاهها و مراکز بهداشتی دارد.

بیشتر روان‌درمانان گروهی روان‌کاو بودند، دو موسسه بزرگ رسمی و دانشگاهی شهرت بیشتری داشت:

۱- موسسه روان‌کاوی و روانشناسی مرضی وابسته به دانشگاه پاریس با استادان نام‌آوری مانند: لاپلانچ و پنتالیس^۱ در این موسسه دیدگاه فروید تسلط بیشتری داشت.

۲- مرکز بهداشت روانی آلفرد بینه وابسته به دانشگاه پاریس به سرپرستی، لوبویسی و دیاتکنیک^۲... در این مرکز دیدگاه روان‌کاوی و پیازه بکار گرفته می‌شد مراجعین در سطوح بالای تجربی و دانشی بودند و برخی نیز از شهرها و کشورهای دیگر می‌آمدند.

بیشترین دوره آموزشی و پژوهشی نظری و علمی روان‌درمانی گروهی را در موسسات یاد شده گذرانده‌ام. دوره‌های روان‌درمانی گروهی از ۶ ماه تا یک سال طول می‌کشید. علاوه بر آن برای آشنایی با مکاتب و شیوه‌های دیگر گروه‌درمانی که در موسسات خصوصی با دیدگاه راجرز و پویایی گروه‌ها در روانشناسی اجتماعی تشکیل می‌شد. شرکت می‌کردم، به عضویت انجمن بین‌المللی گروه‌درمانی که در آن زمان در مکزیکوسیتی بود درآمد و هم‌زمان با گذراندن رساله دکتری دتا در روانشناسی بالینی، دوره روان‌کاوی تعلیمی (روان‌کاو شدن برای روان‌کاوی کردن) را گذراندم و در انجمن‌های چهارگانه روان‌کاوی که آن روزها در پاریس بود رفت و آمد داشتم و در سمینارها و یا دروس اختصاصی آنها حضور می‌یافتم.

تلاش‌های نخستین: هم‌زمان با امام بزرگ و در نخستین روزهای انقلاب به ایران برگشتم از تهران به دانشگاه فردوسی رفتم، در آرزوی تحقق آنچه آموخته بودم. در دوسال اول که دانشگاه‌ها بسته بود، کنار اطاق کارم در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، آن روزها مسئول دانشکده بودم، کلینیک کوچکی برای مراجعین دانشجوی و خانواده‌هایشان تشکیل دادم و به شیوه روان‌کاوانه R.I.D رویای هدایت شده در بیداری را بکار می‌بردم^۳. در آن سالها خانه‌ام را در مشهد، بلوار ملک‌آباد، نستر یک شماره ۳۸ ساختم؛ در این ساختمان فضای روان‌درمانی را با نام "دفتر پژوهش‌های بالینی" پیش‌بینی کردم، این محل اکنون دفتر فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی و دفتر انجمن هیپنوتیزم ایران در مشهد است و بیش از شش‌هزار مورد با

^۱ J. laplanch et Pontalis از روان‌کاوان و نویسندگان فرهنگنامه روان‌کاوی و استاد دانشگاه پاریس

^۲ S. tobovici et R.diatkine از روان‌کاوان و روان‌پزشکان کودک و استادان دانشگاه پاریس

^۳ این شیوه پیشرفته روان‌درمانی را در جلد دوم کتاب دانش و هنر روانشناسی بالینی شناسانده‌ام.

تشخیص‌ها و درمان‌های اولیه و پانزده‌هزار مورد ناتمام در درمان‌های انفرادی، گروهی و خانوادگی فراهم کرده‌ام که اسناد پژوهش‌های بالینی را تشکیل می‌دهند.

از ۱۳۶۲ در پردیس دانشگاه فردوسی* در کنار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی آپارتمان‌های کوچکی را به کلینیک رواندرمانی‌های فردی و گروهی، آموزش نابینایان، تربیت بدنی و روانشناسی بالینی اختصاص دادم، در دانشکده ده کارگاه و آزمایشگاه برای کاردرمانی، موسیقی درمانی و تلاش‌های آموزش ریاضی، زبان، فیزیک، شیمی، ... پایه‌گذاری کردم. در کلینیک روانشناسی بالینی، فضا‌های درمان‌های انفرادی، رواندرمانی‌های گروهی و خانواده‌درمانی را با نصب شیشه‌های یک رو و تلویزیون مدار بسته بوجود آوردم این تلاش‌ها، برای اولین بار، در سراسر موسسات آموزشی و پژوهشی کشور بویژه در دانشگاه‌ها بود، مدت ۱۲ سال بدون وقفه در تمام فصول سال کارگاه‌های رواندرمانی را برای آموزش دانشجویان فعال نگاه داشتم، و قریب ۶۰۰ دانشجویای روانشناسی، کارشناسی ارشد بالینی، مامایی، پرستاری و دکتری روانپزشکی، هر یک از دو سال تا یک ترم آموزش دیده‌اند و با تلاش‌های پژوهشی، تشخیص و درمانی آشنا شده‌اند.

ده سال گروه‌درمانی: از ۱۳۶۴ با همکاری جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس که امروز استادان دانشگاه‌های کشورند، مراکز روانشناسی و رواندرمانی را در بیناد شهید و جانبازان بوجود آوردیم: مدت ده سال، گروه‌درمانی در مرکز مشهد برای همسران و فرزندان شاهد و در مرکز تهران برای آموزش به دانشجویانی که قرار بود در استانها بکار رواندرمانی بپردازند، همت گماشتم.

تاسف: در ۱۳۷۳، با رفتنم از دانشگاه فردوسی، کارگاه‌ها جای خود به اطاقهای مکتب‌خانه داد و چهره خسته و غمزه یک قرن عقب‌افتادگی دانشگاهی را بخود گرفت.

تلاشی تازه: در ۱۳۸۰/۱۲/۱۵ نامه‌ای از جناب آقای دکتر محمد تقی جفتایی سرپرست محترم دانشگاه بهزیستی تهران دریافت کردم:

نامه شماره (۱)

بسمه تعالی

شماره ۱۱۴۸۰۱/۱۳۳۵

تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۵

پیوست.....

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دفتر رئیس

جناب آقای دکتر محمد مهدی خدیوی‌زند

استاد روانشناسی بالینی عضو وابسته فرهنگستان علوم،

مدیر مسئول فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با سلام

به اطلاع می‌رساند که مرکز صبا در نظر دارد جهت ارتقا سطح علمی آموزشی و درمانی خود از فرصت بدست آمده و حضور جنابعالی در تهران هر دو هفته یکبار در روزهای شنبه یا یکشنبه استفاده نماید بدینوسیله از جنابعالی دعوت می‌شود که جهت آغاز این برنامه روز شنبه ۸۰/۱۲/۱۸ جمله‌ای را در این مرکز داشته باشید.

دکتر محمدتقی جفتایی

سرپرست دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تهران: اولین: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. روبروی دانشگاه شهید بهشتی

تلفن: ۲۴۰۲۰۷۰-۲۴۰۰۳۶ فاکس: ۲۴۰۰۱۱۰

کدپستی: ۱۹۸۳۴

در ۱۳۸۰/۱۲/۱۸ با آقای دکتر شجری که در آن زمان مسئولیت مرکز بهداشت روانی و توانبخشی صبا در دانشگاه علوم پزشکی بهزیستی بود. مذاکره کردیم و در نیمه دوم فروردین ۱۳۸۱ کارگاه گروه‌درمانی راه‌اندازی شد نخستین مراجعین دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد بودند. پس از چندی نامه شماره ۲ نوشته شد.

نامه شماره (۲)

بسمه تعالی

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمدتقی جغتایی

سرپرست محترم دانشگاه بهزیستی و توانبخشی

پس از دعا، پیرونامه مورخ ۸۰/۱۲/۱۵ - ۸۰/۱۳/۳۵ حضرت عالی، کارگاه آموزشی و پژوهشی رواندرمانی گروهی در مرکز توانبخشی صبا راه‌اندازی شد و جناب آقای دکتر شجری و سایر کارکنان مساعدت فراوان نمودند برای آنکه بتوانیم خدمات شروع شده را به جامعه دانشی و دانشگاهی افزایش دهیم پیشنهاد می‌نماید:

مورد پیشنهاد: تاسیس بخش رواندرمانی گروهی

ضرورت: رواندرمانی گروهی با تمام گستردگی و ژرفایی که در پژوهشها، آموزشها و خدمات رواندرمانی در جهان دانش دارد در کشور ما با کم توجهی مواجه بوده است. ارزانی، سرعت اثربخشی، تنوع شیوه‌های درمانی، امکان ارائه خدمات، آموزشها و پژوهشهای بیشتر را با صرف زمان کمتر ممکن می‌سازد. بکارگیری روشها و دیدگاههای رواندرمانی گروهی امکان ابداع نظریه‌ها و شیوه‌های درمانی متنوع‌تری را برای استادان پژوهشگران و دانشجویان فراهم می‌سازد.

هدفها: ۱- ایجاد دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی برای پژوهشها، تشخیصها و درمانهای متکی به نظریه‌ها و شیوه‌های رواندرمانی گروهی. ۲- آماده‌سازی داوطلبان کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی بالینی و روانپزشکی برای تلاشهای پژوهشی، تشخیصی و درمانی، در مراکز بهداشتی، درمانی و دانشگاهی کشور. ۳- گسترش جایگاه دانشی کشورمان در جامعه جهانی دانش و مراد با دانشگاهها، موسسات و انجمنهای رواندرمانی گروهی کشورهای دیگر. ۴- ایجاد مرکز اسناد و انتشارات در رواندرمانی گروهی. ۵- شرکت فعال در سمینارها، کنگره‌های ملی و بین‌المللی بویژه کنگره رواندرمانی که قرار است در سال ۲۰۰۴ در ایران برگزار شود: شرح آن در اخبار فصلنامه تازه‌های رواندرمانی شماره ۲۱ تا ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آمده است.

محمد مهدی خدیوی‌زند

اندکی بعد نشستی در دفتر دانشگاه بهزیستی با حضور آقای دکتر جغتایی، سرپرست دانشگاه، دکتر شجری معاونت درمان و دکتر سیدحسین فیروزآبادی معاونت سابق آموزش

دانشگاه که در راه‌اندازی کارگاه گروه‌درمانی تلاشهای سودمندی داشتند، تشکیل شده قرار توسعه کارگاه پس از چند ماه با شروع مجدد سال تحصیلی نامه شماره (۳) نوشته شد.

نامه شماره (۳)

بسمه‌تعالی

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر شجری

معاونت محترم "درمان"

پس از دعا پیرو پیشنهاد تاسیس بخش روان‌درمانی گروهی مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۶ (پیوست است) در جهت راه‌اندازی و تحقق اهداف یاد شده طی دو مرحله اقدام می‌شود:

مرحله نخست: برای تحقق هدفهای ۱ و ۲ پیشنهاد: تشکیل دوره یکساله روان‌درمانی گروهی برای آماده‌سازی و ایجاد حساسیت در داوطلبان کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی و روانپزشکی در تهران. مرحله دوم: انتخاب روان‌درمانی که آمادگی پیدا کرده‌اند برای ارائه خدمات و ایجاد حساسیت و تشکیل دوره‌های روان‌درمانانی گروهی برای کارکنان روانشناس و روانپزشک و رشته‌های وابسته در موسسات بهزیستی در استانهای کشور. مرحله سوم: تشکیل هم‌اندیشی‌هایی برای رای‌زنی و تبادل تجربه از روان‌درمانانی گروهی که حداقل ۶ ماه در مراکز مربوط به خودکار کرده‌اند.

یادآوری: مراحل بعدی، برای گسترش پژوهشها، تشخیص‌ها و درمانهای گروهی، با توجه به موفقیتها، تجربه‌ها و امکاناتی که پیدا می‌شود، هر شش ماه یکبار، پیشنهاد خواهد شد.

در حال حاضر: تعداد ۱۱ نفر کارشناسان ارشد دانشگاه شاهد مشغول گذراندن مرحله نخست هستند و در پایان ۶ ماه آینده نیمی از آنها این مرحله را به پایان می‌رسانند.

- متن اطلاعیه‌ای را پیوست کرده‌ام که اگر موافق باشید فعلاً به اطلاع روانپزشکان و روانشناسان بالینی کارشناسی ارشد در سازمانهای بهزیستی و رشته‌های وابسته در تهران برسد. می‌توانیم حداکثر تا ۱۲ داوطلب زن و مرد برای یک دوره ۶ ماهه بپذیریم. شرایط پذیرش و هزینه‌هایی که داوطلبان منتقل خواهند بود بعداً تعیین می‌شود. امکانات لازم: در محل فعلی دو اتاق پیوسته بهم با شیشه یک رویه در حد فاصل آنها دستگاه ویدئو، دوربین فیلم برداری تلویزیون مدار بسته میان دو اتاق و یک دستگاه دوربین عکاسی و یک قفسه دوب شیشه‌ای، تخته و لوازم نوشتن نیازهای دیگر به مرور اطلاع داده خواهد شد.

محمد مهدی خدیوی زند

اکنون کارگاه گروه‌درمانی بصورت یک نهاد دانشی، پژوهشی، تشخیصی، درمانی و آموزشی بکار افتاده است. برای آشنایی با چگونگی کار آن در بخش‌های بعدی این گزارش دیدگاه‌ها، روش‌ها و شیوه‌هایی را که از

بخش دوم

گروه‌های روان‌درمانگر^۱

پرستشها؟...

در موسسات روان‌درمانی، بیمارستانها، کلینیکها، مراکز و مجتمعات پزشکی و بهداشتی که پس از انقلاب در صدد بازنگری و توسعه آنها هستیم مسائلی بس با اهمیت وجود دارد: از اواسط قرن بیستم تجربیات و مشکلات درمانی و پیشرفت‌های همه جانبه روش‌های روان‌درمانی به ویژه روان‌کاوی پرستش‌های تازه‌ای برانگیخته است: *روماتولوژی* - گروه‌های درمان کننده، بعنوان یک گروه انسانی در جریان فعالیت‌های خود دچار چه اختلالاتی می‌شوند؟ و چگونه می‌توان بروز رفتارهای بیمارگونه را در جمع درمان‌کنندگان اعم از پزشکان، پرستاران، روان‌شناسان، مددکاران و روان‌درمانان پیش‌بینی کرد، تشخیص داد و درمان نمود؟

- بهترین شکل همکاری در **گروه‌های درمانی** چگونه است آیا هماهنگی یا ناهماهنگی این گروه‌ها در تشخیص یا تضعیف بیماری و سلامت بخشی بیماران موثر است؟
- در سازمان‌دهی و اداره مراکز درمانی چه عواملی می‌تواند بیماری‌زا باشد و مشکل تازه‌ای برای بیمار بوجود آورد؟

این پرستش‌ها بیش از آنکه به فرمها و طرح‌های کلی برای موسسات روان‌درمانی توجه داشته باشد به مسائل درونی و محتوی این موسسات نظر دارد و در مجموع می‌خواهد که هر چه بیشتر اثرات درمان بخشی را افزایش دهد، و بکارآیی و سودمندی آنها بیافزاید. پرسش بنیادی

^۱ این گزارش در نخستین کنگره روان‌پزشکی ایران در سال ۱۳۶۳ در بیمارستان قائم مشهد، تالار شهید چمران ارائه گردیده.